

جایگاه زنان در قرآن کریم

تاریخ دریافت مقاله: دی ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش مقاله: بهمن ۱۳۹۸

علی نقی شریف زاد

دانشجوی دکتری الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، لرستان، ایران

نویسنده مسئول:

علی نقی شریف زاد

چکیده

بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، زن جایگاهی رفیع در نظام هستی دارد و از دامن زن مرد به معراج می‌رود. در این نوشتار با تکیه بر آیات قرآن کریم گذری بر جایگاه و منزلت زن و نیز آشنایی با زنان بر جسته تاریخ خواهیم داشت. بر اساس مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، زنان از ویژگی‌های منحصر بفردی برخوردار بود که خداوند متعال به دفعات به آنها اشاره کرده است. افزون بر آن، زنانی همچون حضرت فاطمه زهرا، مریم، آسیه سلام الله علیہن و مادر حضرت موسی علیه السلام از آن دسته زنانی هستند که خداوند به اشاره یا تصریح از آنها به بزرگی یاد کرده است. نوع روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای می‌باشد.

کلمات کلیدی: زنان، حقوق، مشارکت سیاسی، قرآن کریم.

مقدمه

سعادت یا شقاوت آدمی در متن زندگی و روابط او با دیگران رقم می خورد و کیفیت رابطه ما بسته به این است که حقوق و جایگاه فردی و اجتماعی خود و دیگران را چگونه ارزیابی کنیم. از این رو، انسان همواره در تلاش بوده تا هم با تعقل و تجربه و هم با تکریش به ادیان و کتب آسمانی شأن وجودی و حقوقی خویش را باز نماید؛ تا آنگونه که هست و آنچه از انتظار می رود را رعایت نماید و البته بر کسی پوشیده نیست که در این روند زن و مرد در یک رتبه قرار دارند.

اجحاف بر حقوق زنان در بسیاری از جوامع بشری ناشی از برتر دانستن مردان نسبت به زنان است. بسیاری از باورهای فرهنگی، بدون اینکه ربطی به مذهبی خاص داشته باشد در مذهب های گوناگون رسخ کرده اند و این برتری را برای مردان (که لازم است درستی یا نادرستی آن بررسی شود) رقم زده اند.

خداآوند متعال انسان ها را در قالب مردان و زنان به نیکوترين شکل و صورت آفریده و به هر یک جایگاه خاص به خود را داده است، چنانکه جایگاه هر موجود در جهان هستی، تابع اصل عدل و حکمت الهی است. به طور کلی در نظام هستی، هر موجودی دارای دو جایگاه است؛ جایگاه «عام» «خاص» جایگاه عام زن، همان جایگاه موجودات دیگر به عنوان آفریده خدا متعال است. به لحاظ جایگاه خاصی که زن در این جهان دارد می توان گفت او به مقتضای خلقت خویش از جایگاه ممتازی نیز برخوردار است که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد. جایگاهی که اگر آن را به عنوان یک امر الهی و عقلی، به انجام رساند به کمال انسانی خویش خواهد رسید.

تحلیل حقیقت ملکوتی نقش زن

بررسی و تحلیل احکام زنان در قرآن، همچون نقش پنهان زن در امور اجتماعی، فارغ از آثار اجتماعی آن، از جنبه حقیقت باطنی و آثار ملکوتی نیز قابل تحلیل است. در واقع، احکام عبادی در قرآن فقط بعد ظاهری و دنیوی ندارد؛ بلکه بعد باطنی و ملکوتی نیز دارد. امام خمینی (ره) در این زمینه می گوید: «بدان که چنانچه از برای انسان مقامات و مدارجی است، که به اعتباری او را دارای دو مقام دانند: یکی مقام دنیا و شهادت؛ و دیگر مقام آخرت و غیب؛ ... همین طور از برای نماز، که در بین عبادات و مناسک الهیه سمت جامعیت و عمودیت دارد، این مقامات طابق النعل بالنعل هست؛ ... چنانچه سایر مناسک از قبیل روزه و حج نیز همین طور است، گرچه به جامعیت نماز نیستند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۶).

بنابراین، احکام زنان نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ یعنی برای صورت ظاهری حکم پوشش و حجاب یا احکام نقش های خانوادگی و اجتماعی، مراتبی از حقایق باطنی وجود دارد که می توان آن را سر تشریع آن حکم دانست. در حقیقت، علت کلی تشریع احکام عبادی رساندن انسان به مقام انسان کامل است که به بیان قرآن، او خلیفه پروردگار (البقرة/۳۰) و مظہر اسماء الحسنی اللہ است. پس هدف آیات قرآن به فعلیت رساندن همه اسمائی است که در انسان به ودیعت نهاده شده است (البقرة/۳۱) و تفاوتی که آیات قرآن در برنامه عملی ترتیب انسان میان دو جنس قائل شد، ظهوری خاص از اسماء را در زن نسبت به مرد نشان میدهد که تابع شرایط جسمانی او در عالم خاک است، زیرا حیات مادی و دنیوی و جسم انسان مرکب سیر او در جهت قرب به خدا و وصول به غایت انسانیت است (البقرة/۳۶). آیت الله جوادی آملی درباره تفاوت مظاہر اسمای الهی می گوید: «جمال و جلال، که از اسمای الهی اند، مظاہر گوناگون دارند، ولی چون جلال حق در جمال وی نهفته است و جمال وی در جلال او مستور است، مظہر جلال الهی به اندازه خود واجد جمال حق و نیز مظہر جمال خدا در حد خویش دارای جمال الهی است. نمونه بارز استخار جمال در کسوت جلال را می توان از آیات قصاص و دفاع استنباط نمود. حکم قصاص، اعدام، اماته، خون ریزی، انتقام، سلطه و... که از مظاہر جلال و جنود ویژه آن به شمار می روند، احیا، صیانت دم، مهر، تشیی و خشنودی و... که از مظاہر جمال و سپاهیان خاص آن شمرده می شوند را به همراه دارد».

تفاوت مظہریت زن و مرد برای اسمای جمال و جلال الهی را نیز به همین صورت می توان تبیین کرد: «زن در جلوه اسمای جمال، ظہور و فعلیتی دارد که مرد ندارد و مرد در جلوه اسمای جمال بروزی دارد که زن ندارد. این تقسیم بندی به اعتبار ویژگی های زن و مرد در خلقيات و بروز صفات زنانه و مردانه معنا می یابد. ... اين تحليلات صور گوناگونی به خود می گيرند و كاركردها و نقش آفرينيهاي در حيات بشری می كنند که نظام حيات انساني به آنها قوام و دوام می یابد و کمال هر جنسی به آن معنا پيدا می کند و می تواند بستر معنا کردن آياتي باشد که کار كردها و تفاوت های جنسیتی اين دو جنس را بيان کنند».

فیروزی و فرهمندپور در انتهای بحث مستوفی در مقاله «بررسی جهان شناختی حجاب در ساختار اسماء الله از منظر آیات و روایات» نتیجه می گیرند: «حجاب... حکایت از بعدی از اسم الهی غیب می کند و وضع آن در شکلی خاص برای زنان، ناشی از

رابطه خاص حقیقت زن با حقیقت این اسم است. همچنان که اسم الله غیب، خدا را از دسترس هر نامحرمی پوشیده می‌دارد و بار یافتن به مراتب حريم الهی، نیازمند محرمیتی است که در طی مسیر کمال معنا می‌یابد، حجاب نیز زن را در پرده غیب می‌نشاند و او را از دستبرد هر نامحرمی صیانت می‌کند.

سر نقش پنهان اجتماعی زن نیز به همین بیان روشن می‌شود که یکی از نمودهای آن در حکم حجاب و پوشش نمایان شده است. درواقع، خداوند با ذکر زنان به ضمیر غایب برخلاف مردان به راهکار ویژه تربیتی و هدایتی آنان برای وصول به غایت انسانیت اشاره دارد؛ یعنی خداوند بسیاری از وظایف اجتماعی را بر دوش مرد نهاده و آن را بر زن واجب نشمرده تا برای زنان این فرصت فراهم شود که فارغ از تظاهرات اجتماعی و در خلوت خانواده و با استفاده از سرمایه عاطفی که خود به او عطا کرده، در جهت سلامت جسم و تعالی روح انسانی شوهر و فرزندان، یعنی افراد جامعه، خدمت کند و البته از سر مهر و رحمت و با تمرین فضیلت اخلاق بپذیرد که اثرگذاری اجتماعی او در مقایسه با مرد نمود کمتری دارد و گاه مورد بی‌توجهی واقع می‌شود. آنچه باید مورد دقت و توجه قرار گیرد این است که قرآن زن را از قبول مسئولیت‌های اجتماعی منع ننموده، ولی مانند مردان برخی مسئولیت‌ها مانند تأمین اقتصادی خود و خانواده را بر زن واجب نکرده است (رضوانی، ۱۳۸۵: ۴۷).

از این رو، فرصت اثرگذاری پنهان و تمرین اخلاق و طی کردن مراتب رشد از این طریق برای مردان کمتر از زنان فراهم است. به بیان دیگر، خداوند براساس تفاوت خلقت و به تبع آن تفاوت احکام زن و مرد، امکان مظہریت اسم «غیب» الله را برای زنان بیشتر از مردان فراهم آورده است. زنان با پوشش خود تمرین می‌کنند که انتظار نداشته باشند همه زیبایی‌ها و شایستگی‌های اخلاقی و معنوی و آثار پربرکت اجتماعی شان شناخته شود و تمجید و ستایش شوند؛ همان گونه که با حجاب همه زیبایی‌ها و شایستگی‌های ظاهری شان آشکار نمی‌شود (النور/۳۱).

مبارزه با تبعیض جنسیتی در قرآن

قرآن کریم نخست سخن را از تفاوت و اختلاف بین زن و مرد آغاز نمی‌کند، بلکه نگاه اولیه قرآن ابتدا نظر بر وجه اشتراک و همسانی زن و مرد است و آن هم نه مربوط به کارکرد ها و نقش ها بلکه در ساحتی اصیل تر و بنیادی تر موضوع را مطرح می‌کند. قرآن به وجه اشتراک اساسی و سیار مهمی اشاره نموده، انسان بودن انسان را ملاک قرار می‌دهد و در این موضوع حکم به یکسانی زن و مرد در خلقت و ارزش های اساسی و انسانی می‌نماید و با تأکید بر خلقت انسانها از نفس واحد، در ابتداء سوره نساء چنین می‌فرماید: «ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که همه شما را از یک انسان آفرید، و همسر او (نیز) از جنس او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که همگی به عظمت او معترفید و هنگامی که چیزی از یکدیگر میخواهید نام او را می‌برید، (و نیز) از خویشاوندان خود (یعنی قطع ارتباط با آنها) پرهیز کنید، زیرا خداوند مراقب شما است». همچنین در در آیه ۲۲ سوره نحل می‌فرماید: «خداوند همسران شما را از جنس شما قرار داد». روشی است این که در این آیات می‌خوانیم همسران شما را از شما قرار داد، معنی آن این است که از جنس شما قرار داد که از اعضای بدن شما همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «او کسی است که شما را از یک نفس آفرید».

یعنی شما با وجود تفاوت در جنسیت و با این همه چهره های گوناگون، ذوقها و افکار متفاوت و تنوع وسیع در تمام جنبه های وجودی، همه از یک فرد آفریده شده اید و این نهایت عظمت آفریدگار را می‌رساند که چگونه از یک مبدأ این همه انسانهای متفاوت آفریده است.

قرآن تفاوت در جنسیت را از نشانه های خدا میداند از نظر قرآن تفاوت در خلقت زن و مرد نه تنها یک مشکل و ناهنجاری تلقی نمی‌شود و نشانه بعض و ارجحیت یکی (مرد یا زن) بر دیگری نیست بلکه تفاوت جنسیتی را یکی از نشانه های خدا می‌داند، می‌فرماید: «و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابد و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه های است برای گروهی که نفکر می‌کنند».

قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پر معنی «لتسكنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است. به راستی وجود همسران با این ویژگیها برای انسانها که مایه آرامش زندگی آنها است یکی از موهاب بزرگ الهی محسوب می‌شود. این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشد؛ به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد.

به هر حال مرحله زوجیت مرحله تداوم نسل انسان و تکثیر مثل او است. سپس موضوع بارداری مادران و وضع حمل آنها را پیش کشیده، می‌گوید: «هیچ جنس ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم پروردگار (وما تحمل من انتی ولا تضع الا بعلمه)».

مسئله تقسیم نوع انسان به دو جنس مذکر و مؤنث یا تفاوت‌های فراوان در جسم و جان و مسائل فیزیولوژیکی که از همان آغاز انقاد نطفه، راه خود را از یکدیگر جدا کرده و هر کدام به سوی رسالتی که بر عهده آنان گذارده شده پیش می‌روند و تکامل می‌یابند. بعد مسئله رسالت در مادر قبول و تحمل این بار و حفظ و تقدیمه و پرورش آن پیش می‌آید که قرنها است افکار دانشمندان بزرگ را به خود جلب کرده، معترفند که از عجیب‌ترین مسائل عالم هستی است.

ارزش معنوی یکسان مرد و زن

در آیات بسیاری از قرآن مجید، زن و مرد را در پیشگاه خدا و در وصول به مقامات معنوی در شرائط مشابه یکسان می‌شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت ساختمان جسمانی و به دنبال آن پاره‌ای از تفاوت‌ها در مسئولیتهای اجتماعی را دلیل بر تفاوت میان این دو از نظر به دست آوردن تکامل انسانی نمی‌شمارد؛ بلکه هر دو را از این نظر کاملاً در یک سطح قرار میدهد و لذا آنها را با هم ذکر کرده است. قرآن مجید با صراحة می‌گوید: «هر کس از مرد و زن عمل شایسته انجام دهد و ایمان داشته باشد داخل بهشت خواهد شد و بدون حساب، روزی داده می‌شود». و یا در آیه دیگری فرماید: «هر کس از مرد و زن عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد به او حیات و زندگی پاکیزه ای می‌بخشیم و پاداش آنها را به نحو احسن خواهیم داد». همچنین در حوزه اخلاق نیز قرآن تفاوتی میان زن و مرد قائل نبوده و تنها ملاک تقوا را معتبر می‌داند و می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و تیرها و قبیله‌ها قواردادیم تا یکدیگر را بشناسیم، ولی گرامی ترین شما نزد خداوند باتفاقاترين شمامست، خداوند دانا و خبیر است». در این آیه مخاطب کل جامعه انسانی است. منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن همان بازگشت نسب انسانها به آدم و حوا است؛ بنابراین چون همه از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که جنسیت یا تزاد و نسب و قبیله و ... بر یکدیگر افتخار کنند و می‌فرماید: «گرامی ترین شما نزد خداوند باتفاقاترين شما است» (ان اکرمکم عند الله اتقیکم) و همچنین در آیه دیگری از همین سوره زنان و مردان را در الزام عملی به اخلاق یکسان دانسته، از گناهان اخلاقی منع می‌کند و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی از زنان دیگر، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و یکدیگر را مورد طعن و عیبجوئی قرار ندهید و با القاب رشت و ناپسند یاد نکنید».

در اینجا مخاطب مؤمناند، اعم از مردان و زنان، قرآن به همه هشدار می‌دهد، نه جنسیت و نه هیچ ملاک مادی دیگر سبب نمی‌شود کسی تصور کند در پیشگاه خدا از دیگری برتر است و به همین دلیل تحقیر دیگران و خود را برتر شمردن یکی از بدترین کارها و زشترين عيوب اخلاقی است که بازتاب آن در تمام زندگی انسانها ممکن است آشکار شود.

زنان و تحول شخصیت ساز تاریخ

در دوران جهل و انحطاط و کفر و طغیان، زنان به بهترین شکل ممکن با پلیدترین جباران تاریخ شجاعانه و در برابر طوفانهای کفر سرسختانه مبارزه کردند، که باعث شدند نقطه روشنی در زندگانی تاریخ بشر پیدا شود. آن روزی که مردان ادعای خدایی می‌کردند و دستور قتل عام پسران را می‌دادند؛ زنان بودند که پروردگار یکتا را به جامعه معرفی نمودند و پیامبر الهی را از دستور عام کشتار نجات دادند.

قرآن کریم جریان نجات موسی از چنگال فرعونیان به دست مادر و خواهر را به تصویر کشیده است تا همگان به عظمت شخصیت زنان احترام بگذارند.

«وَأُوحِيَ إِلَى أُمٌّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا حِقْتِ عَلَيْهِ فَالْقِيَهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّ رَادُوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (قصص، ۷).

و ما به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده و چون بر او بیناک شدی، او را در دریا بیانداز و مترس و غمگین مباش که ما او را به تو باز می‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم. مادر موسی وقتی به امر پروردگارش فرزندش را به نیل انداخت به خواهر موسی گفت: «صندوق را دنبال کن». اگر مقصد نهایی اش قصر فرعون بود پیشنهاد دایه بهد و بگو: آیا شما را بر خانواده ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کند و خیرخواه او باشد؟ «وَقَالَتْ لِأُخْرَيْهِ قُصْبِيَهِ بَصَرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبِ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛ وَ حَرَّمَنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَالَتْ هَلْ أَذْلَكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ» (قصص، ۱۱ و ۱۲). در شرایطی که سنگ دل ترین جبار بر مردم حکومت می‌کرد و دستور قتل همه نوزادان پسر را صادر کرده بود چنین پیشنهادی عادی تلقی نمی‌شد بلکه به نحوی استقبال از مرگ بود که خواهر موسی آن را پذیرفت و رسالت خود را به نحو مطلوب به پایان برد و موجب نجات موسی شد و از این لحظه به بعد پای زنی دیگر در میان است که با اصرار و پافشاری در متقاود کردن فرعون به پذیرش موسی موجب تحول جامعه بشری در آینده می‌شود و او کسی نیست جز همسر فرعون؛ «وَ

قالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنِ لَى وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أُونَّ تَخْذِدَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص، ۹). و همسر فرعون گفت: او را نکشید که او روشنی چشم من و توست. شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزندی بگیریم. از این رو این بانوی پرهیزگار اساسی ترین نقش در استقرار دولت الهی موسی در دربار فرعون را ایفا نمود که سرانجام منجر به نابودی حکومت جور و اقتدار بنی اسرائیل شد.

امتیازات قرآن کریم برای زنان

- اسلام علاوه بر حذف سنت های غلط علیه زنان و نیز تعديل و قانون مند کردن سنتهای بی ضابطه، دستاوردهای بزرگ تری نیز برای زنان به ارمغان آورد که در نوع خود چشمگیر بود. برخی از این امتیازات به قرار زیر است:
۱. حق ارث: زنی که تا آن زمان خود به ارث برده می شد و دارای هیچ گونه حقوقی مدنی و اجتماعی نبود؛ در سایه احکام اسلامی دارای حق ارث می گردد.
 ۲. حق شهادت: شهادت دادن دو مرد و در صورت نبودن دو مرد، یک مرد و دو زن. شاید این آیه را بتوان نقض برابری زنان در نظر گرفت، اما به نظر می رسد؛ آیه ۲۸۲ سوره بقره تشویق و حمایتی از زنان است تا آرام آرام، پا به فعالیت اجتماعی و حقوقی بیرون از خانه گذارند. این آیه برای حمایت از زنانی است که به طبع عدم فعالیت های اجتماعی و نیز مرد سalarی حاکم در موقعیت زمانی و مکانی عربستان، اعتماد به نفس لازم را برای حضور در کنار مردان و نیز جرأت بیان عقاید و باورهایشان را نداشته باشند، اما زمانی که دو نفر می شوند، به پشتونه همدیگر جرأت پیدا می کنند.
 ۳. حق مالکیت بردرآمد و اموال مالکیت یا دارا شدن یکی از مسائلی است که در همه شرایع ابراهیمی پذیرفته شده و از احترام خاص برخوردار است. در این میان اسلام احترام خاص برای مالکیت در نظر گرفته است. ... پذیرش اصل مالکیت در بسیاری از آیات قرآن نمود یافته است. در این زمرة اند آیاتی که اموال را به افراد اسناد می دهند:
 ۴. (ولا تؤتوا السفهاء أموالكم) (مال های خود را به نابخردان مسپارید).
 ۵. و نیز: (وَ آتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ) (مالهای یتیمان را به آنان بپردازید) (جوابی آملی ۱۳۸۶، ۲۳۲).
 ۶. برابری زن و مرد در پاداش ها و کیفرهای دنیوی و اخروی: احکام زنا- احکام سرقت - احکام قصاص - احکام دیه - احکام طلاق.
 ۷. مبرا دانستن حوا از ارتکاب گناه نخستین: کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان، عهد عتیق و جدید، مسئولیت اصلی نخستین گناه آدمیان را بر عهده حوا قرار داده است؛ زیرا او بوده که ابتدا فریب شیطان را خورد و از میوه درخت معرفت (معرفت خیر و شر) تناول کرد و سپس مقداری هم به آدم داد. زمانی که خدا آدم را در این باره باز خواست نموده، او گناه را به گردن حوا انداخت و از این رو خداوند، درد و رنج بارداری و زایمان و نیز انقیاد زن در برابر شوهر را به عنوان مجازات بر حوا قرار داد که این مضمون کتاب مقدس به روشنی گویای آن است که در نگاه خداوند نیز سرانجام حوا مقصراً اصلی شناخته شد.
 - اما در آموزه های اسلامی تصوری که از گناه نخستین ارائه شده، بدین قرار است: آیات قرآن کریم خوردن از شجره ممنوعه را گناه مشترک آدم و حوا معرفی کرده و هیچ تصریح یا تلویحی به این مطلب ندارد که شیطان ابتدا حوا و سپس از طریق او آدم را فریب داده است، بلکه وسوسه شیطان را شامل آدم و حوا به طور مشترک دانسته است و از بازخواست شدن هر دو از سوی خداوند و سرانجام از پشیمانی و توبه آن دو به طور همزمان حکایت دارد (اعراف: ۱۹-۳۵، بقره ۳۶-۳۷). در یک مورد نیز از وسوسه شدن آدم به طور خاص سخن به میان آمده است (طه: ۱۱۷-۱۲۱).

امتیازات مقام زنان

قرآن کریم ویژگی های منحصر به فردی را برای زنان بر می شمرد که برخی از آنها عبارت اند از:

۱- زن و تکثیر نسل انسان

خداآوند متعال در این باره می فرماید:

«تِسَاؤْكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوْخَرْثُكُمْ أُنَيْ شِئْتُمْ»(بقره، ۲۲۳).

«زنان شما کشتزار هستند پس به کشتارهایتان نزدیک شوید هرگاه که خواستید.»

در اینجا زنان شبیه به مزرعه شده‌اند و این شبیه ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده است؟ در حالی که نکته‌ی لطیفی در این شبیه نهفته شده، در حقیقت قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن وسیله‌ی خاموش کردن شهوت و هوسانی مردان نیست بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر، این سخن در برای آنها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسانی می‌نگرند هشداری محسوب می‌شود.(زمانی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

وجود چنین جایگاهی برای زن، مسئولیت و وظیفه‌ی او را در مرتبه‌ی انسانی بسیار سنگین کرده تا آنچا که اگر وظیفه انسانی را با وجود چنین جایگاهی ترک می‌گوید، پایه و اساس فساد اخلاقی خواهد شد و اگر مسئولیت الهی حق را در این جایگاه عظیم تن دهد سعادت فردی و اجتماعی را تضمین کرده است به جهت وجود چنین جایگاه ممتازی، دامان زن، مدرسه‌ی انسان سازی و او خود مری این مدرسه انسانی است. آری رحم زن دیندار، کشتزار مناسبی جهت پرورش انسان الهی می‌باشد.

۲- زن و ایجاد آرامش

خداآوند متعال در آیات متعددی زن را مایه‌ی آرامش زندگی معرفی می کند:

«مِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»(روم، ۲۱).

«و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.»

خداآوند متعال در این آیات، آفرینش زنان را که مایه‌ی آرامش بخشی به زندگی است را از نشانه‌های خود معرفی می کند. به راستی وجود همسران با این ویژگی ها، برای انسانها که مایه‌ی آرامش زندگی است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود و اگر کسی تفکر و تعلق کند متوجه می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگرند و مایه‌ی شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند و زن است که کانون خانواده را گرم و با نشاط نگه می‌دارد و باعث رشد و کمال انسان می‌شود. (فتاحی نژاد، ۱۳۸۶: ۴۹).

آری خداوند متعال همسر بودن زن را آیه‌ی خویش خوانده و اثر وجودی او را سکون دانسته. و این خود دلالت بر ویژگی ممتازی دارد که در زن وجود دارد.

۳- زن و مقام مادری

از دیگر ویژگی های ممتاز زنان که سیمایی انسانی و رحمانی به آنها بخشیده است، شأن و منزلت مادری است. خداوند متعال در این باره می فرماید:

«وَصَّيْنَا إِلِيْسَانَ بِوَالِيْدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمَّةٌ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فِصَالَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...»(احقاف، ۱۵).

«ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است.»

در این آیه لزوم حق شناسی در برای مادر یادآور شده و بر سه محور اساسی تأکید می‌شود: الف. دوران حمل: قرآن کریم در این آیه رنج ها و مراتع های مادران را در دوران حمل خاطرنشان می سازد؛ «حَمَلَتْهُ أُمَّةٌ كُرْهًا». ب. وضع حمل: بر اساس این آیه مادران به هنگام وضع حمل نیز سختی و رنج فراوانی را متحمل می شوند؛ «وَضَعَتْهُ كُرْهًا»

ج. دوران شیردهی: دوران طولانی مدت شیردهی نیز یکی دیگر از مقاطع پر زحمت دوران زندگی مادران است که در این آیه مورد تأکید قرار گرفته است. «حَمَلَهُ وَ فِصَالَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا».

وی در طول این سی ماه بزرگ ترین ایثار و فداکاری در مورد فرزندش انجام می‌دهد، چنانکه با صبر و حوصله تمام نیازهای فرزند را تشخیص داده و برآورده می‌کند.

مسئله نیکی به پدر و مادر از اصول مهم انسانی است که حتی کسانی که پایبند به دین مذهبی نیستند نیز به طور فطری والدین را محترم می‌شمارند. بنابراین به فرمان خداوند باید در مقابل خدمات بزرگ پدر و مادر نیکی های بزرگ و برجسته انجام شود(بهشتی، ۱۳۸۷: ۳۲۵).

و منظور نمودن این موضوع از جانب خداوند، خود اظهار قدردانی از خدمات مادر و محبت مادری است. نتیجه اینکه، یک زن، نقش عظیمی در ایجاد آرامش و محبت در زندگی و نقش پرورش جنین سالم و تربیت صحیح فرزندان در مسیر الهی، می‌تواند داشته باشد. و به خاطر همین است که اسلام تأکید بر ماندن زن در جایگاه عظیم انسانی اش دارد. در تاریخ شاهد آنیم که مردان بزرگ جهان، موفقیت‌شان، مرهون پاکی ولادت آنها و تربیت صحیحشان در زندگی بوده است.

۴- مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی

قرآن ضمن توجه به تفاوت های جنسیتی و معاف نمودن زنان از برخی تکالیف دشوار مانند جهاد و در سایر امور که امکان حضور و فعالیت سیاسی و اجتماعی وجود دارد، حضور زنان را به رسمیت می‌شناسد و به عنوان مثال در موضوع مهمی همچون مبالغه می‌فرماید: «هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بباید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مبالغه کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

آنچه در این آیه مورد نظر محقق می‌باشد نقش زنان و دارا بودن مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اسلام می‌باشد. اگرچه در این آیه به تأثیر و نتیجه مبالغه تصریح نشده، از آنجا که این کار به عنوان آخرین حربه، بعد از اثر نکردن منطق و استدلال، مورد استفاده قرار گرفته، دلیل بر این است که منظور ظاهر شدن اثر خارجی این نفرین است نه تنها یک نفرین ساده.

۵- آزادی زن در اعتقاد

آزادی زن در اعتقاد به نحوی آزادی معنوی زن محسوب می‌شود، که اساس تفاوت میان مکتب های بشری با انبیاء و کتب آسمانی است و علاوه بر آزادیهای سیاسی و اجتماعی، آزادی معنوی نیز به ملت خود ارزانی می‌دارد، چرا که هم جنبه جسمانی و هم جنبه روحانی بشر مد نظر انبیاء است؛ تا انسانها بتوانند روح خود را تقدیمه کنند و جنبه انسانی را بر جنبه حیوانی خود برتری دهند. لذاست که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَذْ أُنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوَاءٌ تِكْمِلُونَ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ النَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَهُمْ يَذَكَّرُونَ». (اعراف، ۲۶). حلاوت این غذای معنوی در اختیار و انتخاب آزادانه شخص است. ناگفته نماند که عده بسیار زیادی از انسانها از این آزادی سوء استفاده می‌کنند و آن را در راه تقویت قوای حیوانی بکار می‌گیرند که موجب نابودی انسانیت آنها می‌شود. که کتاب مقدس و قرآن کریم نگاهی به آن داشته‌اند.

مشترک بودن زن و مرد در اصول موهاب وجودی یعنی در داشتن اندیشه و اراده، که این دو خود مولد اختیار هستند، اقتضا می‌کند که زن نیز در آزادی فکر و اندیشه و اراده و در نتیجه داشتن اختیار، شریک با مرد باشد، همانطور که مرد در تصرف در جمیع شئون حیات فردی و اجتماعی خود استقلال دارد، زن نیز باید استقلال داشته باشد. اسلام که دینی است بر پایه فطرت، این استقلال و آزادی را به کاملترین وجه به زن عطا نموده است. آیات ذیل خود بیانگر آزادی در انتخاب عقیده است و هر کس بر اساس اختیاری که خداوند در اختیار او داده است عمل می‌نماید(طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۱۴).

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا إِمْرَأً نُوحًا وَ إِمْرَأً لُوطًا كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَحَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُعْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ ادْخُلُوا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ* وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا إِمْرَأً فِرْغُونَ إِذْ قَالَتْ رَبُّ ابْنِ لَيِّ عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجَّنِي مِنْ فِرْغُونَ وَ عَمَلَهِ وَ نَجَّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَانَتْ مِنَ الْأَقْتَنِينَ»(تحریم، ۱۰-۱۲).

خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال زده است که این دو زن، همسر دو بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند. پس در برای (کیفر) خداوند، برای آن دو زن هیچ کاری از آن دو پیامبر ساخته نبود و به آنان گفته شد: به آتش وارد شوید با وارد شوندگان. و خداوند برای کسانی که ایمان آورده اند، همسر فرعون را مثال زده است. آنگاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بد و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش. و نیز مریم دختر عمران زنی که دامن خویش را حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه گان بود.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت می توان چنین نتیجه گرفت که در نظام فکری دین اسلام، زن جایگاهی رفیع و مسئولیت های بزرگی دارد، که اگر در جایگاه اصلی خود که همگام با ساختمن وجودی است، قرار گیرد، بسیاری از مشکلات خانواده و اجتماع حل می شود. اما اگر از این جایگاه جدا شود در قربانگاه شهوت پرستان بی درد، در پشت پرده های نفاق و در پوششی زیبا بنام آزادی، قربانی می شود. در این هنگام هرگز نباید از او پرورش انسان صالح انتظار داشت، چرا که فرزندان در رحم ناپاک و خوردن شیر آلوه و غذای حرام، متمایل به فضایل نمی شوند.

باید اذعان کرد که استعدادهای زنان مربوط به امور خانه داری و امثال آن نیست. و نمی توان به بهانه های مختلف زنان را خانه نشین و آنان را محدود کرد، چرا که این تفکر موجب ضرر و زیان جامعه در سطحی گسترده می گردد، می توان به جای کنار زدن و واپس زدن این قشر در پی شناخت استعدادها، ظرفیت ها و تواناییهای آنان همت گماشت و از آنان برای رفع موانع امور جامعه در پیشرفت و ترقی استفاده نمود. همانگونه که آیات قرآن کریم بر این موضوع مهر تأیید گذاشته و راه را برای مردان برای استفاده صحیح و کارآمد از زنان در امور مختلف از جمله رسالت های دینی مشخص نموده است. این فقط یک مورد از موارد بسیار زیادی از لیاقت و شایستگی زنان در قرآن است، چراکه می توان از مملکت داری ملکه سباء، مشورت دختران شعیب با پدر (البته در قالب پیشنهاد) و جایگاه رفیع مریم که هر کدام در تاریخ نقش آفرین بودند، نیز نام برد.

منابع و مراجع

- ۱- بهشتی، احمد. ۱۳۸۷. خانواده در قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ دوم. ۱۳۷۷.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
- ۳- رضوانی، علی اصغر. ۱۳۸۵. اسلام شناسی، پاسخ به شبهات. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۴- زمانی، محمدحسن. ۱۳۸۵. مستشرقان و قرآن. قم: بوستان کتاب.
- ۵- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۷. قرآن در اسلام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۷. تفسیر المیزان. مترجم سید محمد باقر همدانی، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
- ۷- فتاحی نژاد، فتحیه. ۱۳۸۶. زن در تاریخ و اندیشه اسلامی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.